

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۰۷-۲۹۳

توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی در اخلاق اسلامی

سید ابوالحسن موسوی قدمگاهی^۱

مژگان سرشار^۲

سید محمد ایازی^۳

چکیده

این مقاله بر آن است تا مفهوم، اهمیت و کاربرد اخلاق مهرورزی را در سبک زندگی اسلامی روشن کند. از دیرباز بین اندیشمندان مسلمان در باره جایگاه عقل و مهرورزی توحیدی در سبک زندگی اسلامی، اختلاف نظر بوده است. گروهی اخلاق اسلامی را مبتنی بر عقل، گروهی بر قلب و گروهی بر هر دو در نظر گرفته‌اند. گروهی گستره‌ی مهرورزی را خدا، گروهی مؤمنان، گروهی همه‌ی انسان‌ها و گروهی همه هستی دانسته‌اند. در این نوشتار، ابتدا مفهوم اخلاق مهرورزی با رویکرد توحیدی بیان و سپس با استناد به قرآن کریم و روایات معتبر، جایگاه آن در اخلاق اسلامی بررسی گردیده است. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که در رویکرد توحیدی، خدا بی‌نهایت عقلانیت و محبت است و مهر بی‌پایان خود را به همه هستی، به ویژه انسان‌ها عطا می‌کند. مؤمنان واقعی با پیروی از اخلاق اسلامی، برای خشنودی خدا همه وجودشان را سرشار از مهر عاقلانه به خدا و آفریده‌هایش جز دشمنانش، می‌کنند. اخلاق اسلامی مبتنی بر توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی است و مؤمنان واقعی به بهترین شکل تلاش می‌کند سبک زندگی اسلامی را جهانی کرده و تمدن اسلامی را بر آن بنا نهند.

واژگان کلیدی

توحید مهرورزی، مهرورزی توحیدی، قرآن، احادیث، مؤمن.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Tarannom110@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: sarshar2008@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Ayazi1333@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۳

طرح مسأله

توحید مهم‌ترین اصل اسلام و هدف همه‌ی دوستی‌ها و دشمنی‌ها در اخلاق اسلامی است. زیرا جهان‌بینی و رویکرد قرآن کریم، مبتنی بر توحید است. علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در روایات معتبر تأکید شده است، مفهوم مهرورزی توحیدی است. از این رو، بررسی مفهوم توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی و ارائه‌ی تصویری روشن از آن در اخلاق اسلامی، ضرورت می‌یابد. بررسی آیات و روایات برای روشن ساختن این مفاهیم به این دلیل اهمیت بیشتری می‌یابد که این دو در اولین آیه‌ی همه‌ی سوره‌ها جز یک سوره آمده است. مهم‌تر آن که مفهوم مهرورزی توحیدی در سوره‌ی حمد که باید هر روز در نماز خوانده و به معانی و مفاهیم آن در توجه شود، تأکید گردیده است تا مسلمانان، اخلاق و سبک زندگی خود را بر اساس آن تنظیم کنند.

از گذشته‌ی دور، بین اندیشمندان اسلامی در باره‌ی جایگاه عقل و مهرورزی در اخلاق اسلامی، اختلاف نظر دیده می‌شود. گروهی تنها به عقل اکتفا کرده، گروهی به مهرورزی و گروهی به هر دو. گروهی مهرورزی توحیدی را به دوست داشتن خدا و بعضی به دوست داشتن برای خدا محدود کرده‌اند. گروهی گستره‌ی مهرورزی را مؤمنان دانسته و دامنه‌ی آن را همه‌ی انسان‌های مؤمن و کافر در نظر می‌گرفته‌اند. گروهی مهرورزی را فراتر از انسان‌ها دانسته، گستره‌ی آن را به همه‌ی هستی گسترش می‌دهند.

این پژوهش در صدد آن است تا مفهوم توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی و جایگاه آن را در اخلاق اسلامی، واکاوی کند. به بیان دیگر، پژوهش در مورد مفهوم توحید و نیز مهرورزی و در کنار هم گذاشتن این دو در اخلاق اسلامی، هدف اصلی این مقاله است. نظر به این که همه‌ی آموزه‌های قرآن برای متوجه ساختن انسان‌ها به توحید است، این نوشتار در پی آن است تا تصویر شفافی از توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی در اخلاق اسلامی ارائه کند.

موضوع پیش روی این مقاله، مهرورزی در اخلاق اسلامی است. با توجه با این که توحید ذاتی و صفاتی در آموزه‌های قرآنی و روایی، از اهمیت بسزایی برخوردار است، این نوشتار تلاش کرده است تا نقش مهرورزی را در اخلاق اسلامی بررسی کند. در قرآن آمده است: «و خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید»^۱. توحید، ضد شرک و مهم‌ترین اصل اعتقادی همه ادیان الهی، به ویژه اسلام است، زیرا همه‌ی آیات قرآن و سخنان پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) با هدف لبریز کردن وجود انسان از

۱. وَ اغْبُدُوا لِلَّهِ وَ لَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا (نساء، ۳۶).

توحید بیان شده است.

اندیشمندان مسلمان با رویکرد توحیدی در زمینه اخلاق مهرورزی دست به قلم شده و آثار ارزشمندی را بوجود آورده‌اند. ملا صدرا که از فیلسوفان و عارفان اسلامی است، در «تفسیر قرآن کریم» و «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة»، گنابادی در تفسیر بیان السعادة فی بیان مقامات العبادة، محی الدین عربی در تفسیر ابن عربی و فتوحات مکیه، قشیری در لطایف الاشارات، عراقی در لمعات به زیبایی و عالمانه در مورد توحید مهرورزی، سخن گفته‌اند. حکمت متعالیه، اثر الهی قمشهای و حکمت هنر و زیبایی در اسلام اثر پازکی، از جمله آثار پژوهشگران معاصر است که با رویکرد توحیدی در باره مهرورزی نگاشته شده است. پژوهشگران در مورد مهرورزی، سخنان زیادی گفته و کتابها و مقاله‌های فراوانی نشر داده‌اند، اما کمتر به طور منسجم با استناد به قرآن و احادیث معتبر به اخلاق مهرورزی و جایگاه آن در سبک زندگی اسلامی پرداخته‌اند. این مقاله تلاش می کند با روش کتابخانه‌ای این موضوع را بررسی کند.

توحید به معنای نامحدود و بی‌عیب و نقص دانستن خداست. همچنین ماده حبب به معنای دانه‌ای است که به تدریج رشد کرده، بزرگ می‌شود. محبت از این ماده و به معنای دوستی اندکی است که به تدریج تقویت گشته و شدت می‌یابد. توحید مهرورزی به معنای آن است که خدا را منبع نامحدود محبت بدانیم و مهر او را در دل پرورانده و شکوفا کنیم. مهرورزی توحیدی به معنای لبریز کردن قلب از محبت شدید به آفریده‌های خدا جز دشمنانش برای خشنودی خدا و دوری کردن از شرک در مهرورزی است.

پرسش‌های کلیدی این پژوهش آن است که جایگاه توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی در اخلاق اسلامی چگونه است. کاربرد و نقش مهرورزی توحیدی و توحید مهرورزی در اخلاق اسلامی چگونه است. مفهوم مهرورزی توحیدی در قرآن و روایات چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی دارد. فرضیه این پژوهش آن است که مهرورزی در جهان بینی قرآن کریم، توحیدی بوده، از جایگاه بسیار والا و بی‌نظیری برخوردار است. این دو مفهوم در تمامی اندیشه‌ها، گفتار و رفتار مسلمانان کاربرد دارد. قرآن کریم و روایات، تصویر یکسانی از مهرورزی توحیدی ارائه کرده، بین مهرورزی توحیدی در قرآن و احادیث تفاوتی وجود نداشته با مفهوم عشق به معنای محبت شدید مطابقت دارد.

۱- مفهوم مهرورزی

مهرورزی به معنای محبت کردن بوده، محبت شدید را عشق می‌نامند. عشق واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی نیز کاربرد فراوانی دارد. در زبان عربی، دوست داشتن بیش از حد معمول یا شگفت زده شدن مُحب از محبوب را عشق می‌نامند (مقائیس اللغه، ۱۴۰۴ق، ج ۴؛ ص ۳۲۱؛

ابن منظور، ۱۳۷۴ق، ج ۱۰، ص ۲۵۱). به بیانی دیگر، محبت بسیار زیاد را عشق گویند (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۵۲۵). در فارسی معنای عشق، شگفت‌زده شدن دوست از زیبایی محبوب، یا از حد معمول گذشتن در دوست داشتن است. عشق از عَشَقَه گرفته شده و آن گیاهی است که به درخت می پیچد و بالا می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۳۴، ص ۲۶۵). نقطه اشتراک معانی گوناگونی که برای عشق بیان شده است، محبت شدید است.

۲. مفهوم توحید ذاتی

توحید ذاتی به معنای آن است که خدا بی‌ظنیر، نامحدود، بی‌عیب و نقص، غیر شمردنی و بدون اجزاء و ترکیب است. خدا در آیه اول سوره توحید فرموده است: «بگو خدا، یکتا و یگانه است»^۱. بر اساس این آیه، خدا عدد، نقص، محدودیت، نیاز و اجزاء ندارد. در تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة در مورد توحید ذاتی آمده است توحید ذاتی به معنای آن است که خدا در ذات، یگانه است، زیرا اجزاء و حدّ و حدود ندارد، زیرا ماوراء حدود و اجزاء است. پس هیچ چیزی جز او نیست، زیرا هیچ مجرد حقیقی جز او نیست. یگانه ابدی است که ابتداء و انتهاء ندارد. در قرآن کریم آمده است: «آن خدایی که از همه عالم بی‌نیاز و همه عالم به او نیازمند است»^۲. بر اساس این آیه، خدا نیازی ندارد و او است که همه نیازها را بر طرف می‌کند. خدا شریک و نیز محدودیت زمانی و مکانی ندارد. یعنی «کسی را نزاده، و زاده نشده است»^۳ (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۳۰، ص ۵۱۷).

۳. مفهوم توحید صفاتی

توحید صفاتی د و نکته را در بر دارد. اول) صفات خدا، عین ذات مقدس او است. وقتی می‌گوییم خدا محب، رحمن، رحیم، علیم و جمیل است، مفهوم آن این است که خدا بی‌نهایت محبت، رحمت، علم و زیبایی است. در قرآن می‌خوانیم: «و خدا هیچ نظیری ندارد»^۴. دوم) صفات زیبایی خدا، عین یکدیگرند. یعنی بین صفات خدا، مرزی نیست. به بیان دیگر، خدا عین همه زیبایی‌ها و خوبی‌ها است. محبت خدا عین رحمت او و محبت و رحمتش، عین علم و زیبایی او است. خدا بی‌نهایت زیبایی است، از این رو همتا ندارد. یکی از صفات‌های خدا، مُجِبّ است. بر اساس توحید ذاتی، دوست داشتن خدا، محدودیت نداشته و بیکران است و محبت شدید را عشق می‌نامند (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۵۲۵، عراقی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۳۲۱؛ ابن منظور،

۱. «لَ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (توحید، ۱)

۲. اللَّهُ الصَّمَدُ (توحید، ۲).

۳. «مَّ يَلِدُ وَلَمْ يُولَدْ (توحید، ۳).

۴. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (توحید، ۴).

۱۳۷۴ق، ج ۱۰، ص ۲۵۱). در نتیجه محبت بی پایان الهی، مصداق کامل‌ترین و برترین مهرورزی‌ها است. بر اساس توحید صفاتی، معنای محب بودن خدا این است که خدا، بی‌نهایت مهر است، زیرا صفات خدا، عین ذات او است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۳۰: ص ۵۱۷).

۴. مهرورزی توحیدی در قرآن کریم

بر اساس آیه‌های قرآن کریم و روایت‌های معتبر، ایمان به الله فقط ادراک عقلی نیست، بلکه نوعی عشق و ادراک قلبی است. ایمان، نوعی محبت الهی شدید و معنوی است (مکارم، ج ۱۶، ص ۵۳۳). در قرآن آمده است: «عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگوئید اسلام آورده‌ایم، و هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است»^۱. این آیه نشان می‌دهد که ایمان نوعی احساس قلبی و ادامه‌ی شناخت عقلی و برتر از آن بوده، مهرورزی توحیدی در اخلاق اسلامی، جایگاه والایی دارد.

در قرآن کریم، مفهوم اخلاق مهرورزی به طور آشکار بیان شده است: «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خدا برای خود انتخاب می‌کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است»^۲ (ترجمه مکارم شیرازی). «أَشَدُّ حُبًّا» در این آیه به معنای محبت شدید آمده است که با معنای واژه عشق رابطه جانشینی دارد (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۵۲۵، عراقی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۳۲۱: ابن منظور، ۱۳۷۴ق، ج ۱۰، ص ۲۵۱).

۵. مفهوم مهرورزی توحیدی در واژه الله

یکی از واژه‌هایی که می‌تواند در ارائه مفهوم مهرورزی توحیدی در اخلاق اسلامی، کمک کند، واژه الله است. در مورد ریشه واژه الله، دو نظر مهم وجود دارد: الف) معبود/العین، الله را بزرگترین نام خدا بیان کرده، ریشه آن را «إله» دانسته، گفته است: «تألّه یعنی پرستش» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۹۰). واژه «إله» به معنای معبود است (ابن منظور، ۱۳۷۴ق، ج ۱۳، ص ۴۶۹). ب) محبوب: بعضی ریشه واژه الله را از «وله» دانسته‌اند که تبدیل به «إله» شده است. در لسان العرب آمده است که ریشه «الله» از إله و یأله و به معنای واله و حیران بودن است. الله کسی است که مردم از شدت زیبایی‌اش واله و حیران او هستند. این معنا زمانی استفاده می‌گردد که بنده در برابر شکوه و جلال صفات زیبای خدا، سرگشته و شیدا می‌گردد (ابن منظور، ۱۳۷۴ق، ج ۱۳، ص ۴۶۷).

۱. قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات، ۱۱).

۲. وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (بقره، ۱۶۵).

سیبویه نیز در «الکتاب» که اولین کتاب در ادبیات عرب شمرده می‌شود، واژه «إله» و «الله» را برگرفته از «وله» به معنای تحیّر و سرگردانی در زیبایی خدا می‌داند. نویسنده تفسیر مجمع البیان به نقل از سیبویه گفته است، واژه الله از «وله» گرفته شده که به معنای حیرانی و سرگردانی است. در نتیجه «الله» خدایی است که عقل‌ها در شناخت صفات زیبایی‌اش سرگردانند. علاوه بر این معنا، نویسنده مجمع البیان، معانی دیگری برای این واژه بیان می‌کند، از جمله پناهگاه همه مردم. «الله» از اُلهت الیه و به معنای کسی است که در کنار او آرامش می‌یابند. «الله» به کسی گفته می‌شود که مردم به او پناه می‌برند، با یاد او آرامش می‌یابند و از شدت زیبایی‌اش، واله و حیران و شیفته و شیدای او می‌گردند. (طبرسی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۹۱).

یکی از معانی «إله» خدایی است که مردم مشتاق و دوستدار او می‌گردند. شتری را که فرزندش را از دست داده و به شدت دوستدارش گشته است، «ناقۀ میلاۀ» می‌نامند. واژه «میلاۀ» از ریشه «وله» و به معنای مشتاق و دوستدار است. همچنین شتر ماده ای را که پس از همراهی با شتر نر، آن را از دست داده و به او به شدت اشتیاق پیدا می‌کند، «ناقۀ والۀ» می‌نامند، یعنی شتری که به شدت مشتاق است. (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۲۲۲). اصل «الله» واژه «إلاه» بر وزن فِعال و به معنای مفعول است که به آن الف و لام اضافه شده است (ابن منظور، ۱۳۷۴ق، ج ۱۳، ص ۴۶۹؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۱۰۸۴).

اگر بپذیریم که بکار بردن یک واژه و ارادهٔ بیش از یک معنا به طور همزمان امکان‌پذیر است، همان‌گونه که بعضی از دانشمندان اسلامی مانند نویسندهٔ المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵) و نویسندهٔ الموجز (سبحانی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۲) بر این باورند، می‌توان گفت که در قرآن، واژه «الله» همهٔ معانی بالا را همزمان انتقال می‌دهد. به بیان دیگر، «الله»، یعنی بی‌نهایت زیبایی، شکوه، سازندهٔ همهٔ پدیده‌ها، کسی که بی‌نهایت به همهٔ پدیده‌هایش، به ویژه انسان‌ها مهر می‌ورزد؛ کسی که مردم بعد از شناخت زیبایی‌اش شیفته، شیدا و سرگشته‌اش می‌گردند، هنگام ترس به او پناه می‌برند، با یاد او، آرامش می‌یابند، به شدت به او عشق می‌ورزند و از روی عشق او را می‌پرستند.

محمد فؤاد عبد الباقی آورده است، واژهٔ «إله» دو هزار و نه صد و شصت و سه بار، در یک صد و چهارده سوره و یک هزار و نه صد و نود و یک آیهٔ قرآن کریم، تکرار شده است. از این بین، واژه «الله» و مشتقاتش دو هزار و هشت صد و شانزده بار در یکصد و چهارده سوره و در هزار و نه صد و سی و هفت آیه قرآن کریم تکرار شده است. طبق آیات قرآن کریم، واژهٔ «اله» که در بردارنده مفهوم مهرورزی است، یکی از پرتکرارترین واژه‌ها و مفاهیم قرآن کریم است (عبدالباقی، ۱۴۰۸ق، صص ۹۶-۴۹). با در نظر گرفتن معانی واژه الله و میزان تکرار آن در قرآن کریم، می‌توان فهمید که مفهوم مهرورزی توحیدی در اخلاق اسلامی، بسیار تأکید گردیده، از

جایگاه بسیار والایی برخوردار است. با ریشه‌یابی معنای واژه «الله» و نیز مفهوم توحید، روشن می‌گردد که در رویکرد توحیدی، خدا به انسان، بی‌نهایت محبت دارد. علاوه بر این، مهرورزی متقابل و بیکران خدا و انسان، در واژه «الله» دیده می‌شود. زیرا در رویکرد توحیدی، «إله» معنای محبوب و معشوق دارد (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۵۲۵).

۶. مهرورزی خدا و مؤمنان واقعی

قرآن کریم آیاتی دارد که با رویکرد توحیدی، مهرورزی متقابل خدا و انسان را به روشنی بیان می‌کند. برای نمونه در قرآن آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. با مؤمنان، فروتن و در مقابل کافران شکست ناپذیرند. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر بسیار داناست ند». ^۱ این آیه نشان می‌دهد که بین خدا و مؤمنان واقعی، رابطه مهرورزی توحیدی برقرار است. در نتیجه مهرورزی توحیدی در سبک زندگی اسلامی جایگاه و کاربرد بسیار مهمی دارد.

۷. مفهوم مهرورزی خدا

زمانی که با رویکرد قرآنی، یعنی دیدگاه توحیدی به واژه الله می‌نگریم در می‌یابیم که چون ذات و صفات خدا، نقص و محدودیت ندارد و نامحدود است، مهرورزی خدا به آفریده‌هایش بی‌پایان است. به همین دلیل، به آنها بی‌نهایت لطف می‌کند. در تفسیر کاشف آمده است: «معنای محبت خدا به بنده‌اش آن است که به وی پاداش بزرگ عطا می‌کند» (مغیبه، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۴۵۸). آلوسی معتقد است محبت خدا به پدیده‌هایش، متناسب شأن او است و شأن او بی‌نهایت مهرورزی است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ۳۲۹). قشیری با رویکرد عرفانی خود اعتقاد دارد، معنای عشق و محبت خدا به انسان آن است که خدا اراده می‌کند انسان را به خود نزدیک کرده و او را برای مهرورزی با خود اختصاص دهد (قشیری، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۱). دوست داشتن خدا بی‌پایان است و با معنای عشق به معنای محبت شدید، کاملاً منطبق است (ابن منظور، ج ۱۰، ص ۲۵۱).

بر اساس سوره توحید، مفهوم توحید ذاتی و صفاتی، بنیان همه اندیشه‌های قرآنی را تشکیل می‌دهد و نیز بر اساس آخرین آیه این سوره، خدا بی‌ظنیر است. خدا در قرآن، خود را بی‌نهایت

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (مائدة، ۵۴).

زیبایی توصیف کرده، فرموده است: «خدا که هیچ خدای دیگری جز او نیست، همهٔ زیباترین نام‌ها، تنها برای اوست».^۱ در رویکرد توحیدی، خدا سازندهٔ همهٔ زیبایی‌ها است و همهٔ کارها و فرمان‌های خدا زیبا است. با توجه به معنای واژهٔ إله و آیات قرآن، با رویکرد توحیدی می‌توان گفت خدا بی‌نهایت زیبایی است. در نتیجه، مردم پس از اندیشه در آفریده‌هایش و شناخت صفات زیبایی‌اش، به طور فطری به او پناه می‌برند، از او آرامش می‌یابند، شیفته، واله، حیران و سرگشتهٔ او می‌گردند، او را به شدت دوست می‌دارند و به پرستش او می‌پردازند. نتیجهٔ این پرستش، شناخت و شیدایی بیشتر است. علاوه بر این، از آن رو که «الله»، بی‌نهایت زیبایی است، زیبایی را بی‌نهایت دوست دارد. جز زیبایی نمی‌آفریند و به آفریده‌هایش بی‌نهایت مهر می‌ورزد. به این دلیل، مهرورزی را در نهاد انسان‌ها قرار می‌دهد. از این رو، انسان‌ها با فطرت الهی که مبتنی بر مهرورزی توحیدی است، آفریده شده، به آن نیاز و گرایش دارند. از این رو، مهرورزی یکی از ارکان مهم اخلاق اسلامی است.

۸. علت مهرورزی خدا به موجودات

از دیدگاه اندیشمندان اسلامی که با رویکرد توحیدی به هستی می‌نگرند، علت مهرورزی خدا به موجودات جهان هستی، عشق خدا به ذات مقدس خویش است. از دیدگاه فارابی (فارابی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۱۵) و ابن سینا (ابن سینا، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۹) در بین همهٔ موجودات، خدا بزرگ‌ترین کسی است که عاشق و معشوق ذات خویش است. سبزواری گفته است، بنابر قاعدهٔ «هرکسی چیزی را دوست دارد، آثار او را دوست دارد»،^۲ از آنجا که خداوند ارحم الراحمین، ذات خود را بی‌نهایت دوست دارد، همهٔ پدیده‌هایش را نیز بی‌نهایت دوست می‌دارد. به همین دلیل اراده می‌کند پدیده‌ها را بیافریند (سبزواری، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۶). طباطبایی معتقد است به دلیل آن که دوست داشتن یک رابطهٔ وجودی است، هر فردی ذات خود را دوست دارد و نیز آن چه به آن دوست داشتن تعلق دارد را نیز دوست می‌دارد. در نتیجه هر فردی آثار وجودش را دوست دارد. به همین دلیل، پدر و مادر، فرزندان خود را به شدت دوست دارند. همچنین خدا به دلیل آن که خود را دوست می‌دارد، پدیده‌هایش را دوست دارد. زیرا آنها دریافت کنندگان نعمت‌ها و لطف‌های خدا هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۱). عراقی از این فراتر رفته و در جهان هستی، جز عشق نمی‌بیند. وی در این مورد گفته است: «چگونه عشق را انکار می‌کنند در صورتی که در هستی جز عشق وجود ندارد و اگر عشق نبود آن چه پدیدار گشته، آشکار نمی‌شد. با محبت، محبت آشکار گشته و در هستی جریان یافته است، بلکه همهٔ وجود، عشق است»

۱. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (طه، ۸).

۲. مَنْ أَحَبَّ شَيْئاً أَحَبَّ آثَارَهُ.

عراقی، ۱۳۶۳ش، ص ۶۸). در نتیجه از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، در اخلاق اسلامی، عشق به هستی، نقش مهمی دارد.

۹. جایگاه مهرورزی توحیدی در احادیث

مهرورزی توحیدی و توحید مهرورزی در روایت‌های معتبر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. در بعضی از روایت‌ها، واژه عشق در مورد عشق انسان به خدا استفاده شده است. در بعضی دیگر از روایات واژه حبّ بکار رفته است. در رویکرد توحیدی، محبت نامحدود به خدا و آفریده‌هایش آموزش داده شده که با مفهوم عشق مطابقت داشته با آن رابطه جانشینی دارد. در منابع روایی معتبر، مهم‌ترین موضوع‌های مربوط به مهرورزی را می‌توان به بخش‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

الف. عشق به خدا، برترین عبادت‌ها

ب. مهرورزی در واژه الله

ج. تساوی مفهوم ایمان و عشق

د. تساوی مفهوم دین و عشق

ه. مهرورزی، مهمترین دستگیره ایمان

و. ضرورت عشق به انسان‌ها

۱۰. عشق به خدا، برترین عبادت‌ها

در بعضی از احادیث، واژه عشق در مورد پرستش خدا بکار رفته و عشق به عبادت خدا، مهمترین عامل برتری انسان‌های بیان شده است. در *الکافی* و *المستدرک* از پیامبر رحمت (ص) روایت شده است: «برترین مردم کسی است که به عبادت، عشق می‌ورزد و عبادت را در آغوش می‌گیرد و از صمیم قلب آن را دوست می‌دارد و با تمام وجود آن را احساس می‌کند و خود را به عبادت اختصاص می‌دهد و توجه نمی‌کند که چگونه شب و روز را می‌گذرانند، به آسانی یا به سختی». ^۱ عشق به عبادت خدا نمایانگر عشق به خداوند ارحم الراحمین است، زیرا لازمه عشق به عبادت خدا، عشق به خود خدا است. از نظر عقلی، عشق به پرستش خدا بدون عشق به خدا امکان پذیر نبوده و منطقی نیست. در واقع، عشق به پرستش خدا، نتیجه عشق به خدا است. قشیری در این مورد گفته است که عشق و محبت به خدا بر هر مؤمنی واجب است، زیرا اگر عشق و محبت به خدا نباشد، خطر از بین رفتن سلامت ایمان، انسان را تهدید می‌کند (قشیری، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۱).

۱. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ وَ عَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَأْسَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا، لَا يُبَالِي عَلَيَّ مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا، عَلَيَّ يُسِرُّ أَوْ عَلَيَّ عُسِرٌ». (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۸۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۷).

۱۱. روایات و مفهوم عشق در واژه الله

در روایتی از حضرت علی (علیه السلام)، آمده است خدا کسی است که به او عشق می‌ورزند. از ایشان روایت شده است: «اللَّهُ، معبودی است که مردم در باره‌ی او حیرانند و به او عشق می‌ورزند. اللَّهُ همان کسی است که از درک چشم‌ها، پنهان و فراتر از افکار و عقل مردم است»^۱.

۱۲. تساوی مفهوم ایمان و عشق

در بعضی روایات، مهرورزی و دشمنی برای خشنودی خدا، معادل ایمان شمرده شده است. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است در پاسخ فردی که پرسید آیا مهرورزی و دشمنی از ایمان است، فرمود: «آیا ایمان غیر از عشق و نفرت است؟»^۲. سپس این آیه را خواند: «ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده، و کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند»^۳. این آیه بیان می‌کند که ایمان و مهرورزی، ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با هم دارند. در این روایت ایمان، مساوی با مهرورزی به خدا و آفریده‌هایش و نیز دشمنی با دشمنان خدا و آفریده‌هایش، بیان گردیده است. به طور طبیعی، انسان دشمن کسی است که دشمن محبوب و معشوق او است. هر چه ایمان و مهرورزی انسان بیش‌تر باشد، در نزد خدا محبوب‌تر و محبتش به خدا و همه هستی، بیشتر خواهد بود و بالعکس هر چه محبت انسان به خدا و آفریده‌هایش بیشتر باشد، ایمانش بیشتر خواهد بود. ایمان، مساوی با مهرورزی است. افزایش هر چه بیشتر ایمان و مهرورزی، یک فضیلت بزرگ در اخلاق اسلامی است و با عشق انطباق دارد.

۱۳. تساوی مفهوم دین و عشق

اوج همه سخنان پیامبران الهی و نیز روح همه آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی دین، مهرورزی بی‌پایان به خدا برای خشنودی او است. زیرا در بعضی از روایات، دین مساوی با محبت شمرده شده است. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «آیا دین جز عشق و محبت است». بدون شک خدا فرمود: «بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما

۱. «اللَّهُ مَعْنَا الْمَعْبُودِ الَّذِي يَأَلُّهُ فِيهِ الْخَلْقُ، وَ يُؤَلُّهُ إِلَيْهِ، وَ اللَّهُ هُوَ الْمَسْتَوْرُ عَنْ دَرَكِ الْأَبْصَارِ، الْمَحْجُوبُ عَنِ الْأَوْهَامِ وَ الْخَطَرَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ صدوق، ۱۳۵۷ش، ص ۸۹).

۲. وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبَغْضُ؟ (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲؛ ص ۱۲۵).

۳. «وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات، ۷).

را دوست بدارد»^۱ و فرمود: کسانی را که به سوی آنها مهاجرت می کنند، دوست دارند»^۲ سپس باری دیگر تأکید کردند: «آیا دین غیر از عشق و محبت است؟»^۳

۱۴. عشق، مهمترین دستگیره ایمان

در بعضی از روایات از مهرورزی به عنوان محکم‌ترین دست‌آویز ایمان نام برده شده است. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که از اصحاب خود پرسید: «کدامیک از دستگیره‌های ایمان، استوارتر است؟ گفتند: خدا و پیامبرش، دانانترند. بعضی گفتند: نماز. بعضی گفتند: زکات. بعضی گفتند: روزه. بعضی گفتند: حج و عمره و بعضی گفتند: جهاد. پیامبر خدا (ص) فرمود: «همه آن چه گفتید امتیازی دارند، اما هیچ کدام، پاسخ نیست. استوارترین دستگیره ایمان، مهرورزی برای خشنودی خدا، دشمنی برای خشنودی خدا، عشق به اولیاء الله و بیزارى از دشمنان خدا است (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۵). از دیدگاه اخلاق اسلامی، هر چه مهرورزی برای خشنودی خدا بیش‌تر باشد، ایمان انسان، استوارتر است و شدت مهرورزی، همان عشق است.

۱۵. ضرورت عشق به انسان‌ها

در رویکرد توحیدی، مؤمنان واقعی به همه مردم دنیا، چه مؤمن و چه کافر، جز دشمنان خدا و بشریت از صمیم قلب به شدت عشق می‌ورزند. در نهج البلاغه به نقل از امیرمؤمنان، علی (علیه السلام)، آمده است: «قلبت را لبریز از عشق، محبت و لطف به مردم کن».^۴ در این روایت، مهرورزی با همه وجود به همه‌ی انسان‌ها، سفارش شده و تفاوت‌های قومی، نژادی، جغرافیایی، زبانی، سیاسی، اقتصادی، دینی، مذهبی، اجتماعی و رنگ بی‌اهمیت شمرده شده است. در رویکرد اخلاق توحیدی، انسان باید به پیروی از خدا به او و آفریده‌هایش به شدت مهرورزی کند

۱۶. جایگاه عشق از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

بعضی از اندیشمندان مسلمان، در مورد تعریف عشق آن را استعداد مهرورزی کامل به محبوب بیان کرده و معتقدند محبت شدید، همان عشق است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰ش، ص ۵۲). اولین مرحله مهرورزی، دوست داشتن و دومین مرحله آن شدت و به اوج رسیدن آن است که با

۱. قل إن كنتم تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» و يقول: «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» و هل الدين الا الحب؟ (ال عمران، ۳۱).

۲. يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ (حشر، ۹).

۳. هل الدين الا الحب؟ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۱۹).

۴. أَشْعِرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ (نهج البلاغه، نامه پنجاه و سوم).

مفهوم عشق مطابقت دارد. محقق طوسی در شرح اشارات ابن سینا گفته است: «آنگاه که محبت از حد معمول در گذرد، آن را عشق نامند» (طوسی، ۱۳۷۵ش، ج ۳؛ ص ۳۶۰). آلوسی در این باره گفته است: «آنگاه که محبت تاکید گردد، عشق نامیده می‌شود. عشق محبت فراوان و تاکید شده است» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳؛ ص ۳۳۰). گروهی از عارفان و فیلسوفان اسلامی، دو واژه عشق و محبت را مترادف هم می‌دانند. ملا صدرا و پیروانش، عشق را محبت شدید می‌دانند. آنها حب و عشق را به یک معنا دانسته، در بیشتر موارد مترادف هم به کار برده‌اند (شجاری، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش، ص ۱۴۷). سبزواری نیز در *اسرار الحکم*، واژه‌های عشق و حب را مترادف هم دانسته است (سبزواری، ۱۳۸۳ش، ص ۱۷۶).

از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، در اخلاق اسلامی، مهرورزی به همه‌ی هستی از جایگاه بی-بدیلی برخوردار است. در رویکرد عرفانی تفسیر قرآن، همه‌ی هستی، سرشار از عشق بوده، خدا بی-نهایت عشق و وجود، مساوی با عشق می‌باشد. در *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، ضمن بیان این مطلب آمده، وجه تمایز انسان و حیوان، عشق و حقیقت انسان، عشق است. وجود خدا عشق است و جز عشق، هیچ چیزی در جهان هستی نیست. عشق از برترین صفات خدا است. با عشق آسمان‌ها و کهکشان‌ها استوار گردیده‌اند. اگر عشق نبود، نه زمین بود و نه آسمان، نه ملک بود و نه ملکوت. عشق از برترین ویژگی‌های انسان و عامل شکوفایی انسانیت است (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۵۳).

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نمایانگر آن است که توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی، مبتنی بر عقلانیت بوده، از مهم‌ترین ارکان سبک زندگی اسلامی است، زیرا از بامسامدترین مفاهیم قرآن کریم‌اند. با توجه به این که توحید، مهم‌ترین اصل اعتقادی اسلام و مبتنی بر عقلانیت است، توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی، عقلانی بوده، در سبک زندگی اسلامی از والاترین جایگاه برخوردار است. طبق قرآن کریم، انسان‌ها باید همانند خدا به همه‌ی آفریده‌های خدا جز دشمنانش عشق بورزند. خدا به دلیل آن که خود را بی‌نهایت دوست می‌دارد، پدیده‌هایش را نیز بی‌نهایت دوست دارد. روایات معتبر نیز مفهوم دین و ایمان را مساوی مهرورزی به خدا و آفریده‌هایش برای خشنودی خدا ارائه می‌کنند. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم در رویکرد توحیدی، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های مؤمنان واقعی، مهرورزی شدید به خدا و آفریده‌های او است که از آن به عشق تعبیر می‌کنند. نتیجه کاربردی این پژوهش آن است که تنها با اصلاح سبک زندگی، مبتنی بر توحید مهرورزی و مهرورزی توحیدی که ریشه در عقلانیت دارد و فرهنگ‌سازی برای جهان‌سازی آن می‌توان فضایی سرشار از صلح پایدار و زیباترین جای ممکن برای زندگی، فراهم کرده، تمدن نوین اسلامی را بر اساس سبک زندگی اسلامی، برپا کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷م)، *جمهرة اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳. ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۴۰۰ق)، *رسائل ابن سینا*، قم، بیدار.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، لبنان، دار الفكر للطباعة.
۵. ابو هلال حسن بن عبد الله (۱۴۰۰ق)، *عسکری، الفروع فی اللغة*، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
۶. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تذهیب اللغة*، بیروت، دار إحياء التراث العربی،
۷. الهی قمشه ای، مهدی (۱۳۸۰ش)، *ترجمه قرآن*، قم، فاطمة الزهراء.
۸. الهی قمشه ای، مهدی (۱۳۶۳ش)، *حکمت الهی، عام و خاص*، قم، انتشارات اسلامی، چاپ ۶.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، *صاح اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش)، *لغتنامه دهخدا*؛ تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۲ش)، *الموجز فی اصول الفقه*، ایران، قم، مؤسسه الإمام الصادق.
۱۲. سبزواری، ملا هادی (۱۳۸۳ش)، *اسرار الحکم*، تصحیح کریم فیضی، قم، مطبوعات دینی.
۱۳. سید رضی، ابوالحسن، (۱۳۸۰)، *نهج البلاغه*، مترجم سید جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ بیستم.
۱۴. شجاری، مرتضی (بهار و تابستان ۱۳۹۳ش)، *نجف زاده، شهین، محبت میان خدا و انسان از دیدگاه ملا صدرا*، مجله انسان پژوهشی دینی، دوره ۱۱، شماره ۳۱.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، *القرآن فی التفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۷ش)، *توحید*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۱۹. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۷۵ش)، *شرح الإشارات و التنبیها*، قم، نشر البلاغه.
۲۰. عبد الباقي، محمد فؤاد (۱۴۰۸ق)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره، دارالحدیث.
۲۱. عراقی، فخرالدین (۱۳۶۳ش)، *لمعات*، به کوشش محمد خواجوی، تهران، مولی.

۲۲. فارابی، ابونصر (۱۳۸۱ ش)، *فصوص الحکمه و شرحه*، به تحقیق علی اوجبی، تهران، انجمن آثار و مفاخر ایران
۲۳. فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *مفاتیس اللغه*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی
۲۴. فراهیدی، خلیل (۱۴۱۴ق)، *العین*، قم، اسوه.
۲۵. قشیری، عبد الکریم بن هوازن (بی تا)، *لطایف الاشارات*، مصر، الهیئة المصریة العامة للکتاب، چاپ سوم.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۷. گنابادی، محمد (۱۴۰۸ق)، *تفسیر بیان السعاده فی بیان مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۹. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸ش)، *موسی دانش، تفسیر کاشف*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
۳۰. مکارم، ناصر (۱۴۲۱ق)، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۳۱. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه اهل البيت.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی